

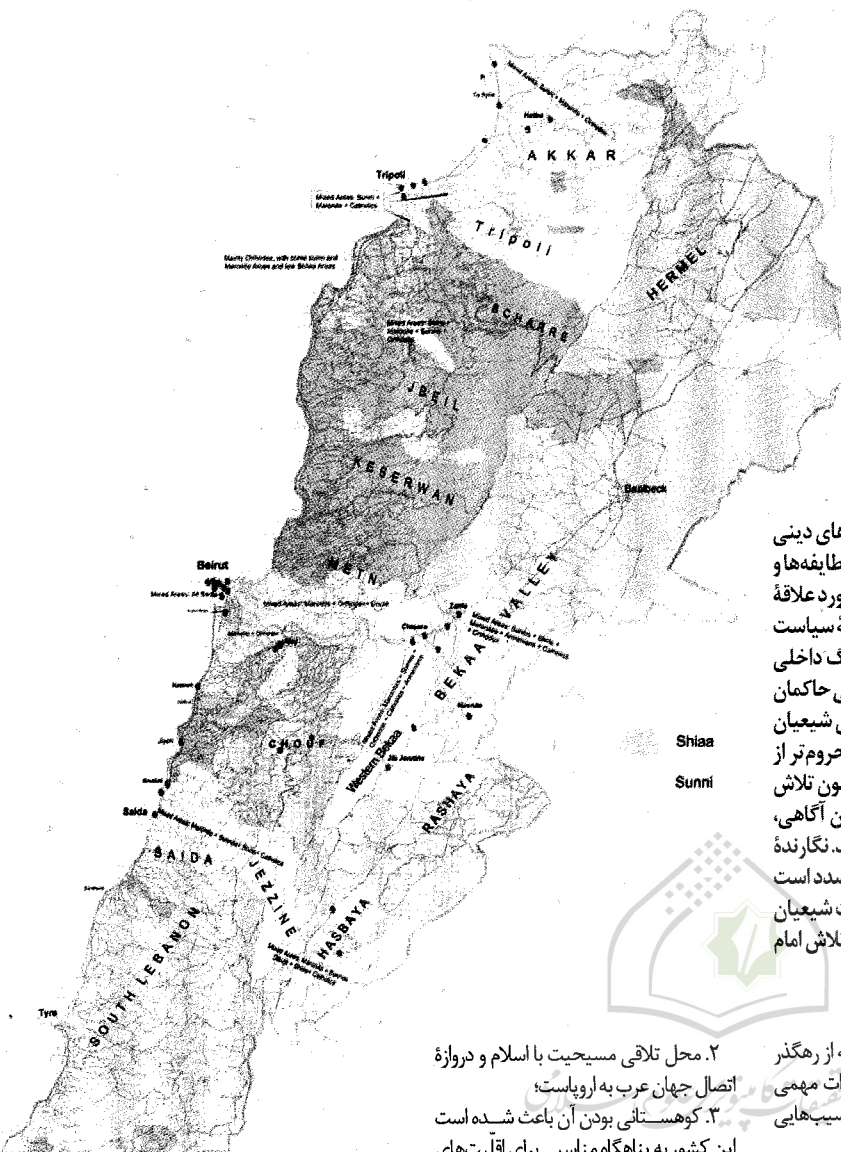
بررسی وضعیت شیعیان لبنان در سیر تاریخ

محل تلاقی اسلام و مسیحیت

سید مهدی طاهری*



لبنان کشور پیچیده‌ای است که اقوام، طایفه‌ها و گرایش‌های دینی گوناگونی را در خود جای داده است و به دلیل ارتباط وثیق بین طایفه‌ها و گروه‌های مذهبی با سیاست، هر گروه، در پی منافع و مصالح مورد علاقه خود است. اولویت‌های طایفه‌ای حاکم بر جامعه لبنان در عرصه سیاست و پیوند آن با منافع قدرت‌های خارجی، زمینه اعتراض و جنگ داخلی بین طایفه‌ها را فراهم کرده است. حاکمیت استعمار در لبنان و همچنین کم‌توجهی حاکمان سیاسی به شیعیان باعث شده است بهرغم تلاش رهبران شیعه و برتری جمعیتی شیعیان بر گروه‌های مذهبی دیگر، آنها همواره از نظر سیاسی در اقلیت به سر برند و محروم‌تر از سایر طایفه‌های دارای مذاهب دیگر باشند. رشد آگاهی شیعیان معاصر لبنان، مرهون تلاش امام موسی صدر و تأثیرات ناشی از انقلاب اسلامی ایران است و به دلیل همین آگاهی، در حال حاضر طوایف شیعه به یکی از گروه‌های قدرتمند این کشور تبدیل شده‌اند. نگارنده مقاله برای نشان دادن تأثیرات این دو عامل در ارتقای جایگاه شیعیان لبنان، در صدد است ضمن توصیف جایگاه استراتژیک لبنان برای خوانندگان محترم، آنها را با وضعیت شیعیان در گذر تاریخ تا دوره معاصر به صورت اجمالی و گذرا آشنا سازد تا به اهمیت تلاش امام موسی صدر و تأثیرات ناشی از انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان لبنان پی ببرند.



۲. محل تلاقی مسیحیت با اسلام و دروازه اتصال جهان عرب به اروپاست؛
۳. کوهستانی بودن آن باعث شده است این کشور به پناهگاه مناسبی برای اقلیت‌های مذهبی سرزمین‌های همسایه تبدیل شود؛
۴. با توجه به فضای آزاد علمی و فرهنگی، این کشور به محل مناسبی برای جریان‌های فکری، رسانه‌های گروهی و مؤسسه‌های انتشاراتی قوی دنیا تبدیل شده است.

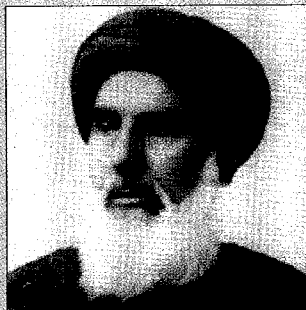
حساسات جغرافیایی قرار گرفته که از رهگذر این موقعیت مهم، فواید و امتیازات مهمی نصیب شده و در عین حال دچار آسیب‌هایی نیز گردیده است.

الف) امتیازات

۱. در وضعیت مناسبی برای ارتباطات اقتصادی، تجاری و فرهنگی بین سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا قرار دارد؛

لبنان در جایگاه کوچک‌ترین سرزمین خاورمیانه پس از بحرین، پرجمعیت‌ترین کشور نسبت به وسعت خاک خود در خاورمیانه است که در نوامبر ۱۹۴۳م استقلالش به رسمیت شناخته شد لبنان از نظر جغرافیایی، در غرب آسیا و ساحل شرقی دریای مدیترانه قرار دارد که از شمال و شرق، با سوریه و از جنوب، با فلسطین اشغالی همسایه است. این کشور کوچک در یک موقعیت

۱۲۴۸-۱۳۳۵ علامه عبدالحسین شرف‌الدین عاملی



سید عبدالحسین شرف‌الدین در سال ۱۲۴۸ش در شهر مقدس کاظمین و در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. او در ۳۲ سالگی به اجتهاد رسید و پس از کسب درجه اجتهاد از حوزه علمیه نجف اشرف، عازم سرزمین پیکری خود لبنان گردید. حضور او در میان شیعیان لبنان مایه خیر و برکت بسیاری شد. علامه در زمینه وحدت میان شیعه و سنی در جامعه متکثر لبنان اقدامات مؤثر بسیاری انجام داد. ایشان از جمله علمای پیشگام در مبارزه با استعمار نیز بود. علامه مقطعی عمر پربرکت

خود را در فلسطین و سوریه سپری کرد و در آنجا به امور تبعیدیان لبنانی در این سرزمین‌ها رسیدگی نمود. شرف‌الدین از طریق بنیاد نه‌لبن مدارس اسلامی، گام بلندی در مبارزه علیه استعمار برداشت. این مدارس بیشتر در مقابل مدارس تیشیری و دولتی، که به صورت غربی اداره می‌شدند، تأسیس شدند. در این مدارس به دختران و پسران مسلمان به صورت رایگان علوم دینی و دروس جدید درس داده می‌شد. علامه شرف‌الدین از جمله تأییدکنندگان جنبش‌های آزادی‌بخش و حرکت‌های انقلابی سرزمین‌های اسلامی بود. ایشان در ۸۷ سالگی (سال ۱۳۳۵ش) به دیار باقی شتافت و پیکر ایشان طی مراسم بسیار باشکوهی در بیروت تشییع شد. سپس به نجف منتقل گردید و در صحن حرم علوی به خاک سپرده شد.

سید محسن شجاعی
تاریخ هر جمع و جامعه‌ای را که مرور کنید با شخصیت‌هایی مواجه می‌شوید که تاریخ سازند، حوادث مهم جامعه‌شان با حضور آنان رقم خورده و حافظه تاریخی مردمانشان از یاد آنها آکنده است. کشور کوچک لبنان هم از این قاعده مستثنی نیست و شیعیانش هم همین‌طور. در یادداشت پیش‌رو تلاش شده به ابعاد شخصیتی و دایره اثرگذاری رهبران معاصر شیعیان لبنان پرداخته شود.

ب) آسیب‌ها

۱. همسایگی این کشور با رژیم صهیونیستی باعث شده است همیشه این رژیم به خاک آن تعرض کند؛

۲. قرار گرفتن لبنان در سواحل مدیترانه و راه داشتن به دریای آزاد و آب‌های بین‌المللی، عامل اصلی نفوذ استعمارگران در این کشور بوده است؛

۳. به دلیل تنوع طایفه‌های سیاسی-مذهبی، در زمینه مسئله تقسیم قدرت در این کشور همیشه اختلافاتی وجود دارد. بر این اساس طایفه‌گرایی و فرقه‌گرایی نمایانگر ساخت جامعه لبنان است. در کشور لبنان با جامعهای فرقه‌ای، هیچ‌یک طایفه مذهبی وجود دارد که دوازده عدد از آنها از فرقه‌های مسیحی و پنج عدد از فرقه‌های اسلامی هستند و آخری یک طایفه کوچک یهودی است. دین اسلام و مسیحیت فرقه‌هایی دارند که عبارتند از: الف) اسلام: شیعه، سنی، دروزی، علوی و اسماعیلی؛ ب) مسیحیت: مارونی، کاتولیک، ارمنی، ارتدوکس، کلدانی، نستوری و اقلیت‌های دیگر. نکته مهم درباره ساختار سیاسی لبنان این است که گرچه ساختار این کشور به ظاهر شبیه حکومت‌های دموکراسی است، سران سیاسی در نظام حکومتی، هنوز به عنوان اعضای جوامع مذهبی متعلق به خود عمل می‌کنند و بنابراین ثبات سیاسی در جامعه لبنان به همکاری اینها بستگی دارد و در عمل تا زمانی که در لبنان نظام فرقه‌ای، آن‌هم با برتری یکی بر دیگری حاکمیت دارد، هیچ‌گونه ضمانتی برای برقرار ماندن ثبات دائمی میان طایفه‌های گوناگون وجود ندارد. هرچند بعضی از رهبران مشهور لبنان به‌ویژه پس از میثاق ملی (۱۹۴۳م) و قرارداد طائف (۱۹۹۰م)، توسعه هویت ملی را در نظر داشته‌اند، تمام کوشش‌هایی که تاکنون برای محو ملاحظات فرقه‌ای از قانون اساسی یا کاستن نفوذ آن بر نظام اداری شده با شکست روبرو گردیده است.

سیستم حکومتی لبنان بر پایه «قانون اساسی» و «میثاق ملی» استوار است. قانون اساسی لبنان که در سال ۱۹۲۶م تصویب شده، تاحال بارها تعدیل و اصلاح گردیده

است؛ میثاق ملی نیز، به منزله قانون اساسی نانوشته، قراردادی است که در سال ۱۹۴۳م بین مسلمانان با مسیحیان منعقد شد. براساس اصل ۹۵ قانون اساسی لبنان، پست‌های حکومتی براساس وابستگی‌های طایفی و مذهبی تقسیم می‌گردد و رئیس‌جمهور از میان مارونی‌ها، نخست‌وزیر از میان سنی‌ها، رئیس مجلس از میان شیعه‌ها، نایب رئیس اول مجلس از میان ارتدوکس‌ها و تعدادی از وزرا کابینه نیز از میان این فرقه‌ها و سایر فرقه‌ها برگزیده می‌شود.

نکته مهم در این باره آن است که سابقه حضور استعمار فرانسه در این کشور، توازن طایفه‌ای را به نفع مسیحیان تمام کرده است؛ براساس آخرین سرشماری طایفه‌ای رسمی در سال ۱۹۳۲م، که فرانسوی‌ها آن را انجام دادند، جمعیت لبنان ۸۶۱۰۰۰ نفر اعلام گردید که از آن میان، ۵۱ درصد آنها مسیحی بودند. نکته مهم‌تر آن است که از آن پس تاکنون هیچ آمار رسمی برای جمعیت طایفه‌ای لبنان اعلام نشده است. این در حالی است که با امکان دستیابی مسئولان لبنانی به آمار ثبت شناسنامه‌ها یا آمارهای انتخاباتی و اسناد کشور، این شک و شبیه باقی می‌ماند که چنین سکوتی در مشخص کردن و اعلام تغییر و دگرگونی در ترکیب جمعیت طایفه‌های گوناگون، فقط به سود مسیحیان و به زیان مسلمانان در پیش گرفته شده است. درواقع اعلام نشدن آمار رسمی جمعیت لبنان با توجه به ساختار طایفه‌ای قدرت در لبنان، به آن دلیل است که آمار مسلمانان، به‌ویژه شیعیان، به دلیل زاد و ولد بیشتر بالارفته و در عین حال جمعیت مسیحیان به دلیل مهاجرت به اروپا کاهش یافته و حتی به اعتراف خود مسیحیان نیز، با زیاد شدن آمار مسلمانان، مسیحیت در جامعه لبنان به اقلیت تبدیل شده است. ذکر این نکته ضروری است که درباره میزان جمعیت مسلمانان و شیعیان نسبت به مسیحیان بین طایفه‌ها اختلاف وجود دارد و شواهد نیز بر اکثریت مسلمانان، به‌ویژه شیعیان، دلالت می‌کند. آمارهای غیررسمی نیز این موضوع را اثبات می‌نماید. براساس آمار سال ۱۹۷۹م نیز جمعیت لبنان بیش از سه میلیون

نفر برآورد شده است که ۵۸ درصد آن مسلمان هستند. در این باره باید گفت که در سال ۲۰۰۶م گزارشی منسوب به کمیته روابط خارجی کنگره آمریکا منتشر گردید و در آن به این موضوع اقرار شد که شیعیان لبنان بزرگ‌ترین فرقه مذهبی این کشورند. در این گزارش ترکیب جمعیت طایفه‌ها یا همان فرقه‌های مذهبی به ترتیب زیر ذکر شده است: شیعه ۳۴ درصد، سنی ۲۰ درصد، مسیحی مارونی ۱۹ درصد، مسلمان دروزی ۸ درصد، مسیحی ارتدوکس ۶ درصد، مسیحی ارمنی ۶ درصد، مسیحی کاتولیک ۵ درصد و دیگر طوایف ۲ درصد. گرچه این آمار اکثریت داشتن شیعیان را تأیید می‌کند، شیعیان معتقدند که جمعیت آنها از آمار یادشده نیز بیشتر است و گفته می‌شود که در حال حاضر ۴۵ درصد جمعیت لبنان شیعه هستند و انتظار می‌رود که تا سال ۲۰۲۵م این آمار به ۶۵ درصد برسد.

اکنون شیعیان به‌رغم پیشرفت نسبت به قبل و فزونی جمعیت در مقایسه با فرقه‌های دیگر، هنوز نسبت به جمعیت خود، سهم ناچیزی از قدرت را کسب کرده‌اند و بنابراین برای درک وضعیت شیعیان در گذر تاریخ و مقایسه آن با دهه‌های اخیر، در ادامه وضعیت آنها تا پیش از انقلاب اسلامی ایران به اجمال بررسی شده است.

شیعیان لبنان در گذر تاریخ

نسب اصلی جامعه شیعی لبنان به منطقه جبل عامل بازمی‌گردد و علمای شیعه، تأسیس جامعه شیعه جبل عامل را به ابوذر غفاری نسبت می‌دهند. شیعیان لبنان، از قرن سوم هجری به بعد در منطقه جبل عامل، بخش شمالی دره بقاع، طرابلس و کسروان ساکن بودند. به دنبال فتح سوریه به دست صلاح‌الدین ایوبی و فرمانروایی حکام ایوبی، دوره حکومت ممالیک و حکومت سلاطین سنی‌مذهب، شیعیان از منطقه شمالی لبنان بیرون رانده شدند. از آنجا که شیعیان در معرض قتل و اسارت قرار گرفته بودند، بسیاری از آنها برای نجات خویش به مذهب اهل سنت گرویدند. این وضع به گونه‌ای

بود که بسیاری از شیعیان شهر طرابلس و شمال لبنان سنی شدند. علمای از شیعیان نیز برای حفظ جان خود به مناطق کوهستانی جبل عامل مهاجرت کردند. دورافتادگی جغرافیایی این مناطق و دوری آنها از ظلم حاکمان سنی، نه تنها سبب تداوم و استمرار فرهنگ شیعی در این ناحیه گشت، بلکه همچنین باعث جذب شیعیان امامیه از سایر بخش‌ها به این ناحیه شد. بدین ترتیب جبل عامل در تاریخ، همواره به محل انتشار فرهنگ اهل بیت و مرکز تجمع شیعیان، به‌ویژه دانشمندان، نویسندگان، شاعران و مسلحان بزرگ و نام‌آور شیعه، تبدیل شده است. در کل دورافتادگی این مناطق، سطح پایین زندگی و بالاخره فقر منابع اقتصادی باعث شده بود مادامی که مردم این ناحیه منشأ تهدید سیاسی حکام شهرهای بزرگ نبودند، این منطقه را تصرف یا به‌طور مستقیم کنترل نکنند. حکومت لبنان تا اوایل قرن شانزدهم میلادی همچنان در دست پادشاهان سنی‌مذهب بود. اما در سال ۱۵۱۶م، قوای عثمانی بر لبنان مسلط شدند. گرچه در این دوره به بعضی از فرمانروایان محلی لبنان امتیازاتی داده شد، بر شیعیان همچنان ظلم و ستم می‌شد. این وضع به گونه‌ای بود که بسیاری از علمای جبل عامل، به دلیل ظلم حاکمان ترک به شیعیان، با دعوت حاکمان صفویه به ایران مهاجرت کردند. هرچند در این روزگار، با حضور عالمان لبنانی در ایران، تشیع به بالندگی خود ادامه داد، جبل عامل کم‌کم از وجود عالمان و فقیهان شیعی تهی گشت.

شیعیان در دوران حکومت عثمانی، نسبت به فرقه‌های مذهبی دیگر لبنان از صحنه سیاسی به دور بودند، به‌ویژه در قرن نوزدهم میلادی که لبنان تحول عمیقی را پشت سر گذاشت، باین‌حال چون شیعیان هنوز به صورت عشیره‌ای زندگی می‌کردند، قدرت واقعی این فرقه نیز در دست سران عشایر بود. در این زمان شکاف میان شیعیان با سایر فرقه‌ها بیشتر شد؛ زیرا در این قرن مارونی‌ها با فرانسه، دروزی‌ها با بریتانیا، ارتدوکس یونانی با روسیه متحد شدند و سنی‌ها نیز، که خود را بخشی از خلافت عثمانی

۱۳۵۹-۱۳۰۷ امام موسی صدر

سید موسی صدر در سال ۱۳۰۷ دیده به جهان گشود خانواده ایشان از خاندان‌های معروف شیعه در دوران معاصر است. سید موسی تحصیلات حوزوی خود را در قم به پایان رساند و سپس به توصیه آیت‌الله بروجردی، به وضیت علامه شرف‌الدین لیک گفت و در مقام جانشین علامه به لبنان رفت. صدر، که در جنوب لبنان فقر شیعیان این منطقه را لمس می‌کرد، استواری بازگرداندن و تقویت هویت اسلامی شیعیان و تلاش برای بهبود وضعیت ملای ایشان را در پیش گرفت و چندین مؤسسه خیریه در



جنوب لبنان و بیروت تأسیس کرد. همچنین وی به یک سلسله اقدامات فرهنگی دست زد؛ از جمله تأسیس «مدرسه صنعتی» جبل عامل (به کمک شهید دکتر جمران) برای پسران، «بیت الفتاه» برای دختران، که در آن خیاطی و هنرهای دستی را آموزش می‌دیدند، و نیز «مهد الدراسات الاسلامیه» که از کشورهای گوناگون از جمله افغانستان، انبوری و قاره افریقا طلبه جذب می‌کرد. اقدامات سید موسی، که حالا به امام موسی صدر معروف شده بود، سبب اشتغال خانوادگی بی‌ضاعت و خودکفایی آنها از نظر اقتصادی شد. از نظر علمی نیز بی‌سوادی کاهش پیدا کرد و فرهنگ عمومی شیعیان رشد کرد. افزون بر این امام موسی توانست به کمک شیعیان لبنان بر دولت این کشور فشار آورد تا مجلس شیعیان تشکیل شود و شیعیان مرکزی

برای فعالیت سیاسی و اجتماعی پیدا کنند. بدین ترتیب مجلس اعلای اسلامی شیعیان تأسیس شد. البته امام موسی به یاری شیعیان لبنان امتیازات دیگری هم از دولت لبنان گرفت؛ از جمله گرفتن عرامت در آزادی حملات اسرائیل به جنوب لبنان و گرفتن شناسنامه برای آنها (در زمان استعمار فرانسه در لبنان مسلمانان حاضر نشده بودند از آنها شناسنامه دریافت کنند). از اقدامات دیگر صدر برقراری ارتباط حسنه با بیرون سایر ادیان و نیز دیگر فرق اسلامی بود که تأثیرات و دستاوردهای مطلوب بسیاری داشت. امام موسی صدر در شهریور ۱۳۵۹ سلسله سفرهایی را به کشورهای گوناگون آغاز کرد و در ۹ شهریور وارد لیبی شد و دیداری با معمر قذافی داشت. پس از آن دیدار تابه‌امروز سرنوشت مسیح لبنان نامعلوم باقی ماند.

می دانستند از حمایت این قدرت برخوردار بودند. در این میان فقط شیعیان از حمایت خارجی محروم بودند و اگر چه گاهی حاکمان قاجار نسبت به رفاه بعضی از تجار شیعه علاقه ای نشان می دادند، این حمایت به شدت ضعیف بود.

در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی، با اصلاحات ارضی حکومت عثمانی، در نواحی شیعه نشین دگرگونی محدود اقتصادی - اجتماعی پدید آمد که در نتیجه به رشد گروه کوچکی به نام «شراف» یا زعماء منجر شد و این گروه توانستند مالکیت بعضی از اراضی را به دست گیرند. با تمرکز ثروت در دست زعماء آنها نمایندگان مناطق شیعی در شوراها و ادارات عثمانی گردیدند.

اما بر اثر رقابت های داخلی، نفوذ خانواده های زعماء بسیار کاهش یافت. در کنار زعماء، خاندان های تحصیل کرده علماء، که از طبقات گوناگون بودند، به دلیل تحصیلاتشان از وجهه اجتماعی چشمگیری برخوردار بودند، ولی از آنجا که طبقه غالب در جامعه - یعنی روستاییان و دهقانان - تابع زعماء بودند، علماء پایگاه اقتصادی گسترده ای نداشتند و در نتیجه در تدوین خط سیر مستقل سیاسی سهم محدودی داشتند.

با تضعیف حکومت عثمانی در دهه ۱۸۹۰م و فشار قدرت های اروپایی بر آن، منطقه جبل لبنان برای پایان دادن به جنگ میان مارونی ها و دروزی ها، به خودمختاری دست یافت، ولی شیعیان همچنان به دلیل فشارهای گذشته از سوی حاکمان سنی - که در این منطقه خودمختار، فقط ۶ درصد از مجموع کل جمعیت را به خود اختصاص می دادند - و حاشیه نشینی اکثریت در جنوب لبنان و منطقه بقاع، هنوز نسبت به سایرین عقب مانده بودند. این در حالی بود که در سایر مناطق لبنان به دلیل پیشرفت های اقتصادی و مداخلات روزافزون قدرت های گوناگون اروپایی، جریان های فکری جدید و مکتب های گوناگون دینی ظهور می کردند. در اواخر قرن نوزدهم گرچه گروهی که تازه وارد طبقه زعماء شده بودند، بانی تجدید حیات و بیداری سیاسی گردیدند، اکثریت شیعیان از نظر جغرافیایی در انزوا، از نظر

سیاسی ضعیف، و از نظر اقتصادی تابع حکومت خاندان های فئودال متخاصم باقی ماندند و به همین گونه وارد قرن بیستم شدند.

با فروپاشی امپراتوری عثمانی پس از جنگ جهانی اول و ورود مستقیم فرانسه به لبنان، شیعیان در زمینه نگرش نسبت به آینده و شیوه رویارویی با فرانسه دچار اختلاف شدند؛ بعضی از آنها خواهان تشکیل کشور بزرگ و فدرال سوریه و ادغام لبنان در آن بودند تا مانند سایر اقلیت ها، حقوق بیشتری در اختیارشان قرار گیرد، اما بعضی دیگر، که بیشتر از رهبران شیعیان بودند، با ترس از یک حکومت سنی دیگر، حاکمیت حاکمان سنی مذهب سوریه را بر شیعیان پذیرا نبودند.

در اوت ۱۹۲۰م نماینده بلندپایه فرانسه، برپایی دولت لبنان بزرگ با مرزهای کنونی اش

را اعلام کرد و بدین ترتیب شهرهای صور، صیدا و بیروت به منطقه جبل لبنان پیوستند. در آوریل همان سال، قیومیت فرانسه بر لبنان به طور رسمی اعلام شد و به دنبال آن در سال ۱۹۲۲م فرانسوی ها با تأسیس مجلس نمایندگان، که همه فرقه های لبنانی، از جمله شیعیان در آن نماینده داشتند، قانون اساسی لبنان را وضع کردند. در مارس ۱۹۲۶م نیز نماینده عالی رتبه فرانسه، افزون بر اعلام قانون اساسی، دولت بزرگ لبنان را به جمهوری لبنان تبدیل کرد. در بحبوحه قیام دروزی ها در ژانویه ۱۹۲۶م، شیعیان به دستور سیاسی و دینی مهمی نایل شدند؛ از آنجا که جامعه شیعه طی دهه های گذشته سهم مهمی در تحکیم لبنان بزرگ داشت، دولت فرانسه به دلیل بی اعتمادی شیعیان نسبت به ناسیونالیسم، به منظور راضی

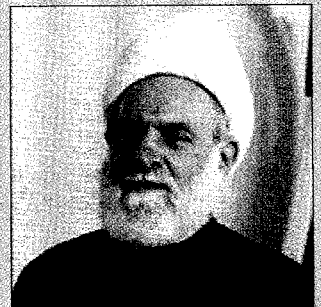
«حزب الله» و «مقاومت اسلامی»، به منزله بازوی انقلاب اسلامی، توانست با الهام از ایدئولوژی اسلامی و نظریه ولایت فقیه، افزون بر اخراج اسرائیل از جنوب این کشور، به نیروی نظامی و سیاسی مؤثری در این کشور تبدیل شود



نگهداشتن آنها و جلوگیری از پیوستن شان به دروزی ها و شکل ندادن جبهه متحد اسلامی علیه فرانسه، به جامعه شیعیان امتیازاتی واگذار کرد که پیش از این به وسیله خلفای عثمانی و دیگر رهبران سنی سلب شده بود. فرانسوی ها با رسمیت دادن به مذهب شیعه در حکم یکی از مذاهب رسمی لبنان، به طور رسمی وضعیت حقوقی جداگانه ای برای شیعیان قائل شدند و با تأسیس دادگاه های شرع جعفری در این کشور، برای نخستین بار در تاریخ لبنان، شیعیان به منزله یک گروه دینی جدا از اهل سنت و دارای تشکیلات قضایی مختص به خود، به رسمیت شناخته شدند. لبنان در سال ۱۹۴۳م از قیومیت فرانسه خارج شد و به استقلال دست یافت. در آن دوران هر چند مارونی ها و سنی ها در استقلال لبنان سهم بسزایی داشتند، اتحاد و یکرنگی شیعیان این سرزمین و پیروی آنها از علماء و رهبران دینی و نفوذ رجال دینی، تأثیر بسیاری بر استقلال لبنان گذاشت، به گونه ای که گفته می شود استقلال این سرزمین مرهون فداکاری های رهبران دینی شیعیان است.

آیت الله سید عبدالحسین شرف الدین از جمله افرادی بود که مبارزه سیاسی خود را همگام با گروه های استقلال طلب آغاز کرده بود تا لبنان را از زیر یوغ دولت عثمانی برهاند. وی، با فراخواندن علماء، به بیدار کردن مردم و مقاومت در برابر فرانسه دست زد و مردم جبل عامل را نیز بر ضد متجاوزان بسیج کرد. در اواخر دهه ۱۹۵۰م، با تلاش های علامه شرف الدین برای خروج شیعیان از حالت انزوا، کم کم نشانه های اولیه تغییرات عمیق و گسترده اجتماعی آشکار گردید. در این دوره سیر رو به رشد جابه جایی شیعیان به سمت شهرها را مشاهده می کنیم؛ بدین ترتیب شیعیان با خروج از انزوا به شهرهای بزرگ مهاجرت کردند. از سوی دیگر در سال ۱۹۵۸م با آغاز نخستین بحران داخلی لبنان، این گروه در برابر آزمونی مهم قرار گرفت. در این بحران، که جنگ میان مسلمانان و مسیحیان بر سر قدرت بود، انتظار می رفت شیعیان در صف مخالفان گروه مسیحی سنجربندی کنند، ولی آنها نه به علت رضایت از حاکمیت مسیحیان،

آیت الله محمد مهدی شمس الدین ۱۳۷۹ - ۱۳۱۱



از دیگر علمای مشهور لبنان شیخ محمد مهدی شمس الدین است. وی در نیمه شعبان سال ۱۳۱۱ش در نجف اشرف متولد شد. وی دروس حوزوی را در نجف با وجود شرایط سخت زندگی اش به پایان رساند. شمس الدین از محضر استادانی همچون آیت الله سید محسن حکیم طباطبایی (صاحب مستمسک العروه الوثقی) و آیت الله سید ابوالقاسم خویی بهره برد. او در عراق گروهی به نام جماعه العلماء تأسیس کرد که این گروه در زمینه سیاست، فرهنگ و اجتماع عراق فعال عمل نمود. از

دیگر اقدامات مؤثر ایشان تأسیس کلیه الدین (دانشگاه اصول دین) بود. در این دانشگاه دروس حوزوی در چهار چوب دانشگاه، اما با همان عمق تدریس می شد. وی در سال ۱۳۴۷ به سرزمین پدری خود لبنان عزیمت کرد. پس از بازگشت به لبنان ساختار سیاسی این کشور، که به وسیله استعمارگران تنظیم شده بود، توجه وی را جلب کرد و از همان زمان تلاش های بسیاری در اعتراض به این سیستم سیاسی انجام داد. ایشان معتقد بود در این ساختار به مسلمانان، به ویژه شیعیان،

ظلم می شود. در این زمینه سخنرانی ها و مقالات بسیاری از ایشان به یادگار مانده است. شمس الدین همچنین دوشادوش امام موسی صدر در زمینه فعالیت های گوناگون فرهنگی و اجتماعی او را کمک می کرد. ایشان پس از تأسیس مجلس اعلاي اسلامی لبنان، به معاونت این مجلس انتخاب شد. سهم آیت الله شمس الدین در عزیمندی و صلابت امروزی شیعیان لبنان بر کسی پوشیده نیست. ایشان در ۲۱ دی ۱۳۷۹ به علت بیماری در بیروت در گذشت.



مواضع سیاسی ایران، درباره آن اختلافاتی با یکدیگر پیدا کردند، اما با پشت سر گذراندن رویدادهای گوناگون، اعم از نزاع، جنگ داخلی شیعه، صلح، اتحاد و ... کم کم موفقیت هایی به دست آوردند و حال با گذشت بیش از سه دهه از پیروزی انقلاب جمهوری اسلامی ایران با تأثیر گذاری در عرصه های سیاسی (سهم بیشتر در قدرت)، اجتماعی (بهبود شدن وضعیت شهروندی) و فرهنگی (تقویت هویت شیعی)، به از تقای جایگاه شیعیان لبنان در جامعه معاصر کمک بسیاری کرده است به گونه ای که در حال حاضر بدون در نظر گرفتن نظریات و خواسته های آنها، دستیابی به هر گونه توافقی در جامعه فرقه ای، طایفه ای لبنان ممکن نیست. II

عصمت علمی، جامعه المصطفی العالمیه

شیعیان؛

۲. فعالیتهای گسترده دینی، فرهنگی و اجتماعی در مناطق شیعه نشین لبنان. اگر بخواهیم حاصل تلاش های ایشان را در چند جمله خلاصه کنیم، می توانیم به موارد زیر اشاره کنیم:

۱. تأسیس جنبش محرومین هماهنگ با سیاست محرومیت زدایی؛

۲. تأسیس مؤسسات فرهنگی، آموزشی و حرفه ای با هدف اشتغال زایی و خودکفایی اقتصادی، کاهش درصد بی سواد، رشد فرهنگ عمومی، اجرای پروژه های عمرانی در مناطق محروم، تأسیس مجلس قانونی شیعی - مجلس اعلای شیعه به منزله تشکیلات قانونی برای احقاق حقوق شیعیان؛

۳. همکاری با همه فرقه های مذهبی لبنان و کوشش برای حفظ وحدت کشور در برابر اشغالگری اسرائیل؛

۴. ائتلاف سیاسی با سوریه به رهبری حافظ اسد، در حکم حامی شیعیان در عرصه های مالی، سیاسی، پشتیبانی نظامی و تسلیحاتی؛

۵. تأسیس شاخه نظامی حرکت المحرومین با عنوان «فوج المقاومة اللبنانية - امل».

گرچه شیعیان با تأسیس این جنبش به رهبری یک نهاد دینی و برخورداری از حمایت کشور سوریه در صدد بودند به اهداف واقعی خود در جامعه لبنان برسند، جنگ داخلی در لبنان و ناپدید شدن امام موسی صدر، شیعیان را در رسیدن به اهداف خود دچار مشکل کرد.

با ربوده شدن امام موسی صدر، از یک سو شیعیان لبنان رهبر خود را از دست دادند و از سوی دیگر اقتدار و کارآمدی رهبران سنتی جامعه شیعه (افرادی همچون کامل اسعد، کاظم خلیل و عادل عسیران) در اداره امور شیعیان کاهش یافت، به گونه ای که آنها دیگر توانایی حفظ موقعیت خود را نداشتند. گرچه با این وضعیت، امید شیعیان به داشتن آینده ای بهتر کاهش یافت، در دورهای که احساس می شد آنها دیگر نمی توانند موقعیت خود را در جامعه حفظ کنند، پیروزی انقلاب شیعی در ایران، آنها را به آینده امیدوار کرد.

بلکه به دلیل ترس و وحشت از سلطه دوباره اهل سنت، در این جنگ موضع نگرفتند و خواهان حفظ وضع موجود شدند. شرکت نکردن شیعیان در جنگ داخلی باعث شد ژنرال فؤاد شهاب به منظور کاستن از محرومیت شدید مسلمانان، مشارکت آنها در امور کشور و برقراری توازن سیاسی و ایجاد صلح و آرامش نسبی در لبنان و تعهد شیعیان به نظام سیاسی موجود، حداقل امکانات را در اختیار آنان گذارد.

این دوره همزمان با ورود امام موسی صدر به لبنان بود؛ درواقع با فوت آیت الله شرف الدین، براساس وصیت ایشان، آیت الله سید موسی صدر به لبنان رفت و فعالیتهای خود را بر پایه دو محور اساسی قرار داد: ۱. تکمیل کارهای محروم شرف الدین؛ ۲. طرح برنامه های جدید و آغاز اقدامات اساسی. با ورود امام موسی صدر به لبنان در نیمه های دهه ۱۹۶۰ م، وی ناتوانی رهبران سنتی شیعه در رویارویی با مشکلات ناشی از اصلاحات در لبنان و تمایل نداشتن آنها به این کار را مشاهده کرد. افزون بر این او از مسئله پیوستن بسیاری از جوانان شیعه به سازمان های چپ گرای لائیک نیز نگران بود. احزاب چپ عبارت بودند از حزب کمونیست، حزب قومی سوریه، سازمان های ناصری «اربطون»، سازمان های افراطی فلسطین و حتی فتح که عده بسیاری از شیعیان را دور خود جمع کرده بودند. تمایل شیعیان به احزاب چپ بدان خاطر بود که آنها به رغم برتری جمعیتی نسبت به گروه های دیگر موجود در لبنان، هیچ یک از عوامل مورد نیاز برای اعمال قدرت در جامعه لبنان را در اختیار نداشتند؛ زیرا مهم ترین عوامل برای اعمال نفوذ در لبنان عبارتند از: ۱. قدرت که در آنجا متأثر از توان ذاتی یک طایفه است؛ ۲. حمایت خارجی از یک طایفه. در این دوران تمام طایفه ها و قبایل در لبنان به غیر از شیعیان، براساس نوع مذهب خود، به یکی از کشور خارجی وابسته بودند.

امام موسی صدر برای حل این مشکلات چند اقدام اساسی انجام داد که عبارت بودند از:

۱. مطالعات عمیق به منظور ریشه یابی عوامل عقب ماندگی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی

۱۳۸۹ - ۱۳۱۲

علامه محمد حسین فضل الله

علامه محمد حسین فضل الله در سال ۱۳۱۲ش در نجف اشرف دیده به جهان گشود. وی دروس ابتدایی - حوزوی را نزد پدر خود، که از علمای بزرگ آن دوران بود، فرا گرفت و سپس برای ادامه تحصیلات وارد حوزه نجف گردید. وی پس از سه دهه زندگی در عراق راهی دیار پدری اش شد و در حاشیه بیروت رحل اقامت گزید. علامه سید محمد حسین فضل الله در جامعه لبنان فعالیت های فرهنگی و اجتماعی گسترده ای انجام داد؛



از جمله جلیسه های تفسیر و وعظ دینی، اخلاق و پاسخ به پرسش های جوانان که سبب تحول بزرگی در چند نسل شد. ایشان به تأسیس حوزه علوم دینی به نام «المعهد الشرعی الاسلامی» با هدف پرورش طلاب علوم دینی اقدام کرد. شیخ راغب حرب از نخستین طلاب این حوزه به شمار می آید. از جمله فعالیت های دیگر علامه فضل الله تأسیس مدارس و مراکز بهداشتی برای شیعیان بود. علامه فضل الله را پدر معنوی حزب الله لبنان نامیده اند؛